

کودتای نافرجام ترکیه؛ پیامدهای راهبردی و چشم انداز

ولی گل محمدی*

پدیده کودتای نظامی برای پاسداری از نهادهای دموکراتیک و حفاظت از بنیان‌های کمالیسم از سوی ارتش به یک تراژدی سریالی در سیاست و حکومت ترکیه تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که با وجود تلاش‌هایی به منظور نزدیک ساختن شاخص‌های حکومتداری به موازین کپنهاک در سپهر سیاسی و مدنی این کشور، تکرار کودتا نوعی تناقض درونی در ساختارهای مدنی و نهادهای سیاسی - نظامی ترکیه مدرن را به معرض نمایش می‌گذارد، امری که متاسی از یک سنت بانفوذ و گسترده کمالیستی در حیات جمهوری نوین ترکیه است. فهم چرایی، زمینه‌ها و علل وقوع کودتای نافرجام ۱۵ جولای در ترکیه منوط به درک ماهیت روابط بین دولت و نهاد ارتش از یک سو و روابط دولت عدالت و توسعه با جماعت گولن و همچنین نحوه

* پژوهشگر معاونت سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک

تعامل نیروهای سیاسی - مدنی گروه‌های اسلام‌گرا و کمالیست و ارتباط آنها با نیروهای خارجی از سوی دیگر است. نوشتار حاضر در قالب سه سطح تحلیل، به بررسی زمینه‌های داخلی، تاثیر متغیرهای خارجی بر روابط نیروهای داخلی و پیامدهای استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی کودتای ترکیه می‌پردازد.

زمینه‌های کودتای نافرجام: از زمان تاسیس جمهوری نوین ترکیه، ایده دولت رابطه تنگاتنگی با نهاد ارتش داشته است و تا قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲) نوعی عدم توازن در تعامل ارتش و جامعه مدنی در سپهر سیاسی این کشور حاکم بوده است. نظامیان با پیوند زدن مشروعیت و مطالبات خود به حفاظت از بنیان‌های لائیسزم و کمالیسم، در دوره‌های مختلف از برکنار ساختن احزاب راست‌گرای عدنان مندرس و سلیمان دمیرل گرفته تا خلع قدرت حزب اسلام‌گرای نجم‌الدین اربکان، از طریق کودتای نظامی به تغییر روند سیاست و حکومت در ترکیه دست یازیده‌اند. اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه بعد از اینکه قدرت را در ترکیه بدست گرفتند، از طریق کانال‌های مختلف سیاسی و حقوقی به ویژه با توسل به فرآیند عضویت در اتحادیه اروپا و غیرنظامی ساختن حکومت در ترکیه برای نزدیکی به موازین کپنهاک و همچنین اصلاحاتی که حزب در قانون اساسی این کشور برای تحدید نفوذ و قدرت قانونی ارتش انجام داد، به ایجاد توازن در رابطه ارتش و جامعه مدنی پرداخت. حزب حاکم برای تقلیل نفوذ ارتش و تضعیف بنیان‌های سکولاریسم به ایجاد اتحاد و تقویت متقابل جماعت گولن در نهادهای سیاسی و مدنی به ویژه وارد ساختن عناصر اسلام‌گرای جماعت گولن در دانشکده‌های نظامی، وزارت دیانت، دادگستری، ژاندارمری و بدنه اصلی دولت دست زد. این مسئله از یک سو موجب نضج گرفتن نفوذ گولنیست‌ها در نهادهای سیاسی - نظامی ترکیه شد و از طرف دیگر قدرت گرفتن شبکه هیزمت^۱

1. Hizmet Movement

جنبش هیزمت (خدمت) شبکه گسترده‌ای از طرفداران فتح‌الله گولن در ساختار سیاسی و نهادهای نظامی و قضایی ترکیه است. جنبش هیزمت فاقد ساختار رسمی و سازمانی مشخص است و عضو رسمی ندارد اما توانسته به یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اسلامی جهان تبدیل شود. این جنبش انجام امور عام‌المنفعه را تبلیغ می‌کند و پیروان آن می‌گویند که در چارچوب اتحادیه‌ای نه‌چندان مستحکم و ملهم از عقاید گولن با هم کار می‌کنند.

فضای شکل‌گیری یک دولت موازی در برابر دولت عدالت و توسعه را فراهم ساخت؛ به گونه‌ای که با شدت گرفتن اعتراضات پارک گزی و چالش فاش کردن فساد مالی دولت (۲۰۱۳) اردوغان از سوی رسانه‌های جماعت هیزمت و شخص فتح‌الله گولن، شکاف محسوسی بین دو نیروی اسلام‌گرا در جامعه سکولار ترکیه پدید آمد. حمایت ارتش از ورود نظامی ترکیه به جنگ سوریه بصورت حمایت لجستیکی و نظامی از جریان‌های معارض سوری و همچنین پایان روند آتش بس میان ارتش و شبه نظامیان پ.ک.ک فضای ورود عملیاتی و بازتعریف نقش و جایگاه ارتش بعد از یک دهه انزوا در این کشور را فراهم ساخت. بازگشت ارتش به سیاست در کنار نفوذ عمیق جماعت گولن در بدنه اصلی و میانی ارتش ترکیه بویژه دانشکده‌های نظامی موجب تقویت و قدرت گرفتن بیش از پیش دولت موازی^۱ (جماعت گولن) در سپهر سیاسی و نظامی ترکیه گردید؛ همین مسئله در کنار حمایت‌های نیروهای خارجی از نیروهای موازی دولت در داخل ترکیه، تزلزل در کارکرد سرویس اطلاعاتی (میت) و امنیتی حزب عدالت و توسعه با توجه به رسوخ عناصر گولن، تحلیل رفتن توان و قابلیت‌های دولت در نتیجه چالش‌های اساسی در سیاست خارجی و همچنین مسئله پیشروی کردها در شمال سوریه و افزایش فعالیت‌های تروریستی در این کشور، و در نهایت افزایش اقدامات تلافی‌جویانه حزب عدالت و توسعه از شبکه جماعت گولن، از دستگیری روزنامه‌نگاران و عناصر نظامی منتسب به گولن گرفته تا ممنوعیت فعالیت‌های رسانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی-سیاسی مربوط به این شبکه، موجب تحریک و بسیج عناصر نظامی جماعت گولن در سطوح میانی ارتش برای تغییر روند سیاست و حکومت در ترکیه از طریق کودتا گردید.

اما اطلاع‌نیروهای سرویس اطلاعاتی (میت) از وقوع کودتا، حمایت همه جانبه سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی از دولت مستقر، شکاف، ضعف و بی‌تجربگی عوامل کودتا که عمدتاً از بدنه متوسط ژاندارمری‌ها هستند، حضور مردم در حمایت از دولت مستقر برای جلوگیری از تکرار حکومت ژنرال‌ها، نفوذ و قدرت

بسیج‌کنندگی بالای اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در حمایت از اردوغان که از ساعات اولیه به خیابان‌ها ریختند و در برابر پیشروی کودتاجیان ایستادند، ترس مردم از تسلط شبکه جماعت گولن در ترکیه که طی سال‌های قبل توسط رسانه‌های دولتی بازنمایی منفی از آن به عمل آمده بود، حمایت احزاب اپوزیسیون از دولت قانونی، نبود پایگاه و پشتوانه مردمی از کودتاجیان و عدم دخالت مستقیم نیروهای خارجی، موجب شد که کودتای پنجم در ترکیه برای ایجاد تغییر در سیاست و حکومت این کشور نافرجام بماند.

به هر روی، محدود ساختن کودتای ۱۵ جولای ترکیه به بحث‌های مجادله‌انگیز نزاع میان دولت اردوغان و مخالفان وی در داخل و خارج از ترکیه و همچنین سناریوسازی‌های ضد و نقیض در تحلیل علل کودتا فهم دقیق و جامعی از چشم انداز روندهای سیاسی جاری در ترکیه فراهم نمی‌سازد. بر این اساس و در راستای درک چشم انداز تحولات بعد از کودتای نافرجام ترکیه، تبیین سناریوی ترکیه بعد از کودتا و پیامدهای راهبردی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن ضروری است.

ترکیه بعد از کودتا: دولت عدالت و توسعه بعد از ۱۵ جولای دچار تزلزل و ضعف نهادی شده است. اینکه بازسازی دولت بعد از کودتا همانند گذشته خواهد بود یا مسیر متفاوتی را طی می‌نماید، همبستگی عمیقی با دو سطح از رفتار داخلی دولت اردوغان و نیروهای خواهان تغییر وضع موجود و همچنین ترجیحات سیاسی-امنیتی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو ترکیه دارد. در حال حاضر به دلیل وجود ابهام در نوع جهت‌گیری‌های کوتاه مدت اردوغان، منابع داخلی و بین‌المللی برای بازسازی نهاد دولت در ترکیه بامشکل روبرو هستند و منابع بین‌المللی در روند کوتاه مدت با توجه به جهت‌گیری کلان کارگزاران سیاست و حکومت در ترکیه و همچنین تحولات جاری خاورمیانه بسیار موثرتر خواهند بود. از این رو، دو سناریو یا فرضیه برای ترکیه بعد از کودتا متصور است؛ اردوغان قدرتمند و اردوغان ضعیف. در چنین شرایطی که دولت اردوغان شروع به پاکسازی نهادهای سیاسی، نظامی، قضایی و امنیتی از عناصر جماعت گولن و نیروهای غیرقابل اعتماد کرده است، بنظر می‌رسد در صورت عدم ایجاد موانع عملیاتی

خاص از سوی غرب، اردوغان به تحکیم و پیشینه‌سازی نفوذ و قدرت خود در صحنه سیاسی و مدنی ترکیه خواهد پرداخت. این سناریو به شخصی شدن قدرت و روندهای سیاسی در ترکیه منجر خواهد شد. البته تحقق یا عدم تحقق شکل‌گیری یک دولت اقتدارگرا در ترکیه به ویژه با توجه به وضعیت فوق‌العاده‌ای که اعلام شده است، به الگوی عمل احزاب اپوزیسیون، سطوح بالای ارتش و برنامه‌های اقدامی کوتاه مدت آمریکا در مهمترین متحد استراتژیک خود در خاورمیانه بستگی دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی در کوتاه مدت وجود خواهد داشت و تحولات جاری در ترکیه نیز به این بی‌ثباتی ساختاری عمق خواهد بخشید؛ تعمیق شدن بی‌ثباتی بدین معنا که هرگونه پیوند و اتصالات سنتی با غرب حداقل در کوتاه مدت تضعیف خواهد شد اما تحولات به سمتی می‌رود که دولت همانند قبل از کودتای ۱۵ جولای فرمول‌بندی خواهد شد.

مسئله دیگر در ترکیه بعد از کودتا به تغییر یا عدم تغییر در جهت‌گیری‌های کلان ترکیه و به ویژه موضوع نزدیکی به روسیه و پیامدهای استراتژیک آن برای ناتو و غرب مربوط می‌شود. با وجود انتقادات اساسی اردوغان از طرف آمریکایی در استرداد فتح‌الله گولن، ترس روانی وی از احتمال براندازی دولت عدالت و توسعه توسط نیروهای غربی و همچنین روند نزدیکی به روسیه به ویژه برنامه دیدار پوتین و اردوغان در ۹ آگوست و به طور کلی جهت‌گیری کارگزارانه به سمت شرق، اما نهادهای سیاسی - مدنی، ساختارهای اقتصادی، قابلیت‌های نظامی، شبکه‌های امنیتی و رویکرد کلان جمهوری ترکیه در سده اخیر به شدت به موازین و نرم‌های سیاست و حکومت در غرب وابسته است و هرگونه تغییری در آن بدون تردید در کوتاه مدت ناممکن و هرگونه برنامه‌ریزی برخلاف روند سنتی، با واکنش هزینه‌ساز متحدین ناتو ترکیه و به ویژه آمریکا مواجه خواهد شد. وابستگی و پیوستگی ساختاری ترکیه به جهان غرب در کنار عدم تمایل آمریکا و اتحادیه اروپا به از دست دادن موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ترکیه تحقق مسالمت‌آمیز سناریوی دوری از غرب و نزدیکی به محور شرق را بعید می‌نمایاند؛ مسئله‌ای که با توجه به جایگاه ترکیه می‌تواند به برهم خوردن نظم غالب بین‌المللی و زیرسیستم‌های منطقه‌ای در غرب آسیا و شرق مدیترانه منجر شود.

پیامدهای داخلی: ابهام در آینده اسلام سیاسی در ترکیه، تشدید بی‌ثباتی داخلی و تهدیدات تروریستی در نتیجه تضعیف ارتش، عدم تمرکز و تضعیف توان نظامیان در مبارزه با شبه نظامیان پ.ک.ک و همچنین رکود شاخص‌های اقتصادی و تجاری و سناریوی تاسیس یک نظام سیاسی اقتدارگرا از پیامدهای مهم داخلی کودتای نافرجام ترکیه می‌باشند. آنچه در ترکیه رخ داده است تاثیرات جدی بر اسلام سیاسی نه تنها در ترکیه بلکه در کل منطقه خواهد داشت. به لحاظ داخلی حزب عدالت و توسعه در نوع تفکرات خود از اسلام سیاسی با توجه به چالش ویژه جماعت گولن و قرائت آنها از اسلام سیاسی در یک وضعیت ابهام آلود بسر می‌برد. اساساً جامعه مدنی در ترکیه دیندار هستند اما این به معنای وجود پیش شرط‌های لازم برای تاسیس یک نظام اسلام‌گرا نیست. اکثریت قابل توجه آنها هرگز خواهان استقرار یک سیستم ایدئولوژیک و برچیده شدن نظام سیاسی لائیک نیستند. بنابراین، در حال حاضر اردوغان از حضور و حمایت مخالفان کودتا از نظام‌های فکری مختلف و متنوع برای بازنمایی گفتمان اسلام سیاسی خود موج سواری می‌کند؛ در حالی که بخش زیادی که به خیابان‌ها ریختند و در برابر کودتا مقاومت کردند، در کنار ترس از تکرار حکومت ژنرال‌ها، از احتمال تاسیس یک حکومت مذهبی در ترکیه توسط جماعت گولن واهمه داشتند. از این رو، با چنین مطالبه‌ای از سوی توده سکولار جامعه ترکیه، اینکه اردوغان و اسلام‌گرایان چه برنامه‌ای برای بسط یا قبض گفتمان اسلام سیاسی خود دارند، در آینده حمایت یا تقابل با دولت مستقر از سوی جامعه مدنی ترکیه تاثیرگذار خواهد بود. به دلیل اعلام وضعیت فوق‌العاده در این کشور، صنعت توریسم و تسهیلات واردات و صادرات با مشکل اساسی روبرو شده است؛ لیر ۵ درصد در برابر دلار آمریکا کاهش داشته و ارزش هر دلار به ۳٫۲ لیر افزایش داشته است؛ بحث امنیت ورودی و خروجی انتقال انرژی نیز با چالش‌هایی همراه بوده است. یکی از نگرانی‌های امنیتی داخلی آینده تقابل و مبارزه با گریلاهای پ.ک.ک و تقلیل توان نیروهای امنیتی در مواجهه با چالش‌های تروریستی داخل این کشور به ویژه در شهرهای جنوبی و جنوب شرقی است. بحران در ترکیه و تنش در نیروهای داخلی بدون تردید به بازسازی واحدهای سیاسی، بازسازی مرزهای منطقه‌ای و حتی کم و کیف معادلات منطقه‌ای که ترکیه

درگیر آن بوده است، تاثیر خواهد گذاشت.

پیامدهای منطقه‌ای: ترکیه در محیط همسایگی و غرب آسیا با چالش‌های جدی پیشروی کرده‌ها در شمال سوریه، تحولات میدانی سوریه و به ویژه تحولات جاری حلب، عراق و فشار دولت مرکزی و آمریکا برای خروج نیروهای نظامی ارتش ترکیه از منطقه البعثیه، مواجه است. با توجه به ضعف نهادی و کمی ارتش، بدون تردید این تحولات موجب کاهش ظرفیت‌های ترکیه در چگونگی مواجهه با چالش‌های تروریستی داعش و تضعیف قابلیت‌های آن در ائتلاف بین‌المللی علیه داعش خواهد شد. کودتا در ترکیه همچنین روی بحران‌های جاری منطقه‌ای از جمله سوریه، بحران فراگیر کردی، پیشروی یا پسروی جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه و تحولات داخلی عراق و بحران پناهجویان تاثیر خواهد داشت. به عبارتی دیگر، خلاء قدرت به وجود آمده در کانون‌های بحران حضور ترکیه معادلات کانون‌های بحران منطقه‌ای را تغییر خواهد داد. مسئله دیگر به آینده الگوی ائتلاف سازی ترکیه به ویژه با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بر می‌گردد؛ ترک‌ها با توجه به بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که با آن مواجه هستند، به تغییر الگوهای ائتلاف سازی خرد و کلان خود دست خواهند زد. بنظر می‌رسد که الگوی ائتلاف سازی ترک‌ها به آینده رابطه ترکیه با روسیه و آمریکا بستگی خواهد داشت؛ اینکه دوری با نزدیکی استراتژیک به غرب، آینده روابط با سعودی‌ها، سوریه، عراق، ایران و روسیه را تعیین خواهد کرد.

پیامدهای بین‌المللی: چشم انداز حضور ترکیه در ناتو، بازتعریف روابط استراتژیک ترکیه با آمریکا و متحدین ناتو، نگرانی اتحادیه اروپا نسبت به چگونگی حل و فصل مسئله پناهجویان و نزدیکی به شرق و گذار در نظم زیرسیستم خاورمیانه و شرق مدیترانه از مهمترین پیامدهای بین‌المللی ترکیه بعد از کودتا محسوب می‌شود. روابط ترکیه و آمریکا با توجه به مسئله استرداد فتح الله گولن و انتقادات داخلی شدید از نیروهای آمریکایی در حمایت از کودتاچیان سیر تنش‌آمیزی را طی می‌کند. نقش ترکیه و روابط استراتژیک آن با آمریکا یکی از بنیادی‌ترین ساختارهایی بوده است که در دریای سیاه، خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای عمل می‌کرده است. اگر دچار اختلال شود، نقش آمریکا در خاورمیانه

تعاریف جدیدی به خود خواهد گرفت و هرچند سناریوی تغییر به سمت شرق از سوی ترکیه بعید به نظر می‌رسد اما در صورت تحول با توجه به جایگاه ژئواستراتژیکی ترکیه در ساختار موجود نظام بین‌الملل شاهد گذار در نظم منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل خواهیم بود. یکی از مسائل جدی آینده ناتو و حضور یا عدم حضور ترکیه در این اتحادیه نظامی است که اگر عضویت ترکیه در این نهاد دچار مشکل شود، ناتو باید به بازسازی خود در اروپای شرقی و شرق مدیترانه بپردازد. با وقوع کودتا و ضعف نهادی دولت ترکیه، ابهام در آینده بحران پناهجویان و استفاده از قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در حل و فصل آن به یکی از دغدغه‌های امنیتی و اجتماعی اتحادیه اروپا تبدیل شده است و برنامه‌های پیشنهادی آنها به حالت تعلیق درآمده است. سیاست و حکومت در ترکیه از یک نقطه جدا شده و اینکه به کدام سمت در حال حرکت است، هنوز معلوم نیست اما با عنایت به نقش تاریخی و راهبردی ترکیه و جایگاه آن در ساختار جهان غرب، تغییر در جهت‌گیری‌های کلان از سوی نخبگان اسلام‌گرای ترکیه براحتمال پذیر نخواهد بود و باید آماده هرگونه سناریویی حتی ترکیه بدون ادوغان نیز بود.

با عنایت به این پیامدهای استراتژیک حاصل از کودتای نافرجام ترکیه، مسئله اصلی بحران ترکیه برآمدن استراتژیک ایران خواهد بود؛ اینکه این مسئله به لحاظ راهبردی چه معنایی در کوتاه مدت و بلندمدت می‌تواند برای رقابت و حضور استراتژیک ایران در منطقه داشته باشد بسیار مهم است. گشایش استراتژیک برای ایران پیرو این کودتا با چهار مسئله اساسی ارتباط مستقیم دارد: ۱. تزلزل رقیب استراتژیک و کم شدن بار موازنه‌سازی در برابر آن؛ ۲. اختلال هرچند موقتی در ائتلاف سازی با عربستان سعودی و اسرائیل، در صورت ناکارآمدی گشایش استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود؛ ۳. رابطه ترکیه با کانون‌های بحران در منطقه از جمله سوریه، عراق و لبنان می‌تواند فرصت‌های را پدید بیاورد؛ ۴. مسئله آخر بحث روانی کودتا و بحران جاری ترکیه است؛ ائتلاف سازی سعودی- ترکی و صهیونیستی برای محدود سازی ایران و شکست آن به لحاظ روانی تاثیر منفی بر جبهه مقابل و تاثیر مثبتی بر جبهه حامی مقاومت خواهد داشت. مضاف بر این، ابزارهای نظامی این استراتژی ترکیه نیز با اختلال روبرو شده است.